صفحه‌آرا: مهدی سلامی

آموزش معلولان؛ پشت سد دهک

جامعه پدیا

محدود شدن حمایت آموزشی دانش‌آموزان دارای معلولیت به ۳دهک پایین درآمدی، نگرانی‌هایی درباره آینده تحصیلی و توانمندسازی این گروه ایجاد کرده است. منتقدان می‌گویند درآمد خانوار به‌تنهایی نمی‌تواند میزان نیاز یک خانواده دارای فرزند معلول را مشخص کند. آموزش دانش‌آموزان دارای معلولیت فقط یک مسیر معمول برای تحصیل نیست؛ بخشی از مسیر توانمندسازی و رسیدن آنها به استقلال فردی است. با این حال، امسال پرداخت هزینه‌های آموزشی این دانش‌آموزان از سوی سازمان بهزیستی به افراد مشمول دهک‌های درآمدی اول تا سوم محدود شده است؛ تصمیمی که به‌گفته رئیس جامعه معلولان ایران می‌تواند آثار خود را در سال‌های آینده نشان دهد. علی‌همت محمودنژاد، رئیس جامعه معلولان ایران، با انتقاد از این محدودیت می‌گوید: حمایت آموزشی از افراد دارای معلولیت نباید براساس دهک درآمدی تعیین شود. به اعتقاد او، آموزش رایگان باید از سال‌های نخست زندگی و دوره مهدکودک و ابتدایی تا متوسطه، دانشگاه و حتی مقاطع عالی ادامه داشته باشد و همه دانش‌آموزان دارای معلولیت، متناسب با نیازهایشان از حمایت برخوردار شوند. مسئله اصلی اما اینجاست که دهک درآمدی لزوما تصویر دقیقی از وضعیت اقتصادی یک خانواده دارای فرد معلول ارائه نمی‌دهد. خانواده‌ای ممکن است در دهک‌های بالاتر قرار داشته باشد، اما بخش قابل توجهی از درآمدش صرف هزینه‌های درمان، توانبخشی، تجهیزات کمک‌توانبخشی، رفت‌وآمد و آموزش فرزند دارای معلولیت شود؛ به همین دلیل، منتقدان معتقدند اگر تنها درآمد خانوار ملاک حمایت باشد، تفاوت میان خانواده‌ای که هزینه‌های معمول زندگی را پرداخت می‌کند و خانواده‌ای که علاوه بر این هزینه‌ها، با مخارج مستمر ناشی از معلولیت مواجه است، نادیده گرفته می‌شود. محمودنژاد نیز تأکید دارد شدت و نوع معلولیت باید در ارزیابی میزان نیاز خانواده‌ها مورد توجه قرار گیرد و نمی‌توان وضعیت مالی آنها را صرفا با یک شاخص درآمدی سنجید. از سوی دیگر، محدود شدن حمایت آموزشی می‌تواند پیامدهایی فراتر از هزینه‌های امروز داشته باشد. کاهش دسترسی به آموزش و خدمات آموزشی مورد نیاز، ممکن است فرصت‌های تحصیلی و در ادامه امکان اشتغال و استقلال فردی دانش‌آموزان دارای معلولیت را تحت‌تأثیر قرار دهد.

اصل و شرح

کارانه مناطق سخت‌گذر

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش می‌گوید: «در سال تحصیلی ۱۴۰۶- ۱۴۰۵ تعداد مدارس کمتر از ۱۰دانش‌آموز ما به ۱۱هزار مدرسه می‌رسد و ۳۵۴مدرسه فقط یک دانش‌آموز دارند. بیشتر آنها در استان‌هایی قرار دارند که دارای مساحت بیشتر و جمعیت پراکنده روستایی هستند.» حکیم‌زاده تأکید می‌کند: «خوشبختانه دولت چهاردهم و شخص رئیس‌جمهور توجه ویژه‌ای به موضوع آموزش و پرورش دارند و امسال قرار شده است برای معلمانی که در مناطق دورافتاده روستایی و عشایری خدمت می‌کنند کارانه مشخصی درنظر گرفته و پرداخت شود تا قدردانی کوچکی از زحمات این آموزگاران باشد.»

مدرسه حتی برای یک نفر

بیش از ۳۵۰مدرسه تک‌دانش‌آموزه در ایران فعال هستند

جامعه امروز

محمد سرابی | روزنامه‌نگار | مدرسه همیشه با همهمه و شادی بچه‌ها شناخته می‌شود. سروصدای ۳۰۰- ۲۰۰ بچه و تذکرهایی که از بلندگو شنیده می‌شود از دیوارها بیرون می‌زند و تا خیابان‌ها و خانه‌های اطراف می‌رسد. اولیا و مدیران همیشه درگیر کلاس‌های پرجمعیت و حیاط‌های شلوغ هستند. بخش زیادی از اوقات بچه‌ها در ارتباط‌گرفتن با همکلاسی‌هایشان می‌گذرد. رویکرد آموزش و پرورش در شهرهای بزرگ ساخت مدارس بزرگ با ظرفیت زیاد است تا بتوان پاسخگوی تعداد دانش‌آموزان بیشتری بود اما همزمان ۱۱هزار مدرسه با کمتر از ۱۰دانش‌آموز در ایران فعال هستند که ۳۵۴واحد از آنها فقط یک دانش‌آموز و یک معلم دارند. تعداد زیادی از این مدارس در نقاط روستایی و عشایری کشور در حال کار هستند و گاهی تصاویری از این مدارس استثنایی در رسانه‌ها منتشر می‌شود. تصویر مدرسه یک‌نفره برای کسانی که همه اوقات تحصیل خود را در کلاس‌های پرجمعیت گذرانده‌اند ناآشنا به‌نظر می‌آید.

اولویت آموزش بر همه‌چیز

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش: هزینه موضوع اصلی آموزش ابتدایی نیست

مکث

دایر کردن یک واحد مدرسه و اعزام معلم جداگانه هزینه زیادی برای آموزش و پرورش دارد. مخصوصا موقعی که این مدارس در نقاط سخت‌گذر قرار داشته باشند. آیا نباید برای کاهش هزینه‌ها مدارس یک‌نفره را تعطیل کرد یا دانش‌آموزان آن را به مدارس شبانه‌روزی شهرها انتقال داد؟ معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در این‌باره به همشهری می‌گوید: «در آموزش و پرورش و مخصوصا در آموزش مقطع ابتدایی نمی‌شود مسائل مالی و بودجه و هزینه را بر آموزش مقدم دانست. وقتی با دانش‌آموزان ابتدایی روبه‌رو هستیم موضوع مورد نظر مجموعه آموزش و پرورش این نیست که هزینه‌ها چقدر است، بلکه ما به این فکر می‌کنیم که هیچ دانش‌آموزی نباید از مدرسه محروم بماند. دانش‌آموز ابتدایی حتی اگر در دورافتاده‌ترین نقطه کشور باشد باید مانند همه فرزندان این سرزمین از آموزش بهره‌مند شود. فداکارترین و زحمتکش‌ترین همکاران معلم ما این مسئولیت را می‌پذیرند.» رضوان حکیم‌زاده با اشاره به قوانین این حوزه تأکید می‌کند: «در ایران دانش‌آموز ابتدایی را نمی‌توان به مدارس شبانه‌روزی فرستاد و در خوابگاه ساکن کرد، زیرا این کودکان کم‌سن‌وسال هستند. در مقاطع متوسطه مدارس شبانه‌روزی دایر هستند و مطابق برنامه‌های درسی و قوانین فعالیت می‌کنند اما بچه‌های ابتدایی باید در محل زندگی خود درس بخوانند.»

کلاس ۶-۵نفره

سمانه خادمی شهمیری ۴سال است در مناطق روستایی مازندران تدریس می‌کند. او به همشهری می‌گوید: «مدارس روستایی که قبلا در آنها درس می‌دادم چند پایه بودند. مثلا ۱۰دانش‌آموز در ۳پایه مختلف در کنار هم درس می‌خواندند. سال اول برای خودم هم سخت بود ولی بعد توانستم با تقسیم‌بندی ساعت کلاس، تدریس را انجام دهم. مثلا به بچه‌های یک پایه ریاضی درس می‌دادم. وقتی که آنها در حال حل کردن مسئله‌ها بودند به بچه‌های پایه دیگر نگارش درس می‌دادم. وقتی آن گروه در حال نوشتن تمرین‌های نگارش بودند، من هم مسئله‌های ریاضی گروه قبلی را می‌دیدم و تصحیح می‌کردم.»

او بیان می‌کند: «همکاران دیگر ما که در مدرسه‌های چندپایه درس می‌دهند هم می‌دانند که فقط با برنامه‌ریزی دقیق می‌شود این کار را انجام داد. باید ساعت کلاس را به قسمت‌های کوچک ۲۰دقیقه‌ای طوری تقسیم کرد که بچه‌ها بیکار نمانند و به‌ترتیب تکالیف و تمرین‌هایشان را انجام دهند. ابتدا برای بچه‌ها عجیب است؛ مخصوصا بچه‌های کلاس اول که درس‌های سال‌بالا را می‌شنوند و کنجکاوی می‌کنند. ولی بعدا همه بچه‌ها عادت می‌کنند که کنار هم درس بخوانند و هرکدام بر درس‌های خودشان تمرکز داشته باشند.» دانش‌آموزان خادمی تا پایه ششم در همان مدرسه‌ها ماندند و بعد به نزدیک‌ترین روستا یا شهری رفتند که مقطع متوسطه داشت.

فقط یک دانش‌آموز

مدرسه روستای ازنی در بخش چهاردانگه شهرستان ساری قبلا چند دانش‌آموز داشت اما تعداد بچه‌ها کم و مدرسه برای چند سال کاملا تعطیل شد. بعد از آن طلا اسدی، به سن مدرسه رسید و چراغ کلاس درس دوباره روشن شد. طلا با ۹ سال سن تنها دانش‌آموز روستاست که در کلاس سوم دبستان درس می‌خواند. خادمی که حالا مدیر و تنها معلم مدرسه شهید سلیمانی روستای ازنی است، می‌گوید: «اینکه مدرسه فقط یک دانش‌آموز دارد باعث نمی‌شود که برنامه درسی ما با مدارس شهرهای بزرگ تفاوت پیدا کند. ما طبق ساعت، زمان کلاس و زنگ تفریح را رعایت می‌کنیم زیرا دانش‌آموز سال‌های بعد در مدارس بزرگ به تحصیل ادامه می‌دهد و باید با این نظم آشنا باشد.» امسال سومین سال است که طلا در این مدرسه به‌تنهایی درس می‌خواند. جمعیت روستا کم نیست اما جز طلا بچه دیگری نیست که در سن مدرسه باشد. بعضی از خانواده‌ها بچه کوچک ندارند و بعضی‌ها هم فقط ۳ماه تابستان به روستا می‌آیند و در سال تحصیلی با فرزندان خود به شهر می‌روند. خادمی می‌گوید: «وقتی فاصله محل زندگی معلم تا روستا خیلی زیاد باشد بعضی از همکاران ما در روستای محل تدریس خانه اجاره می‌کنند. همیشه اولیای دانش‌آموزان و اهالی روستاها از معلمان استقبال می‌کنند و آنها را به‌خوبی در میان خود می‌پذیرند زیرا می‌بینند که معلمان برای آموزش فرزندان آنها تلاش می‌کنند.»

صفحه‌آرا: حامد یزدانی

چشم و دل سیر بودن آقای چوپان

«یک چوپان عشایری در خراسان شمالی کوزه‌ای پر از سکه‌های طلا پیدا کرد اما بدون آنکه وسوسه شود این گنجینه را به نهادهای مرتبط تحویل داد.» این خبر یک خطی، روایت‌های بسیاری از گذشت و حس وطن‌دوستی این مرد چوپان را در خود جای داده است. ویدئوی منتشر شده از صحبت‌های این چوپان تأییدکننده این نکته است: «من وقتی سکه‌ها را دیدم، می‌دونستم که این سکه‌ها با ارزش هستن. یکی گفت بهم شماره حساب بده تا هر قدر دوست داری به حسابت بریزم، من قبول نکردم و گفتم اینا مال مملکت خودمونه، منم ایرانی‌ام؛ برام افتخاره که این سکه‌ها رو که میلیاردها پولش هست تحویل دادم.»

تنگه هرمز، آیفون دریایی ندارد

حاشیه‌های غرق‌شدن یک کشتی سنگاپوری و داستان‌سرایی درباره صید آیفون ۱۸ دنباله‌دار شده است

گزارش

سحر جعفریان‌عصر | روزنامه‌نگار | صید آیفون ۱۸ از تنگه هرمز، خبری بود که یک روز پس از غرق شدن کشتی کانتینربر سنگاپوری در حوالی تنگه هرمز، سر و صدای بسیاری به پا کرد و از روز پنجشنبه (۲۳مهر) تا همین امروز، نه تنها این خبر از تب و تاب نیفتاده است بلکه هنوز هم شبکه‌های اجتماعی و صفحات فروش تلفن همراه بر این موج سوار هستند. به همت ویدئوهای هوش مصنوعی و بازنشر عجیب آنها در شبکه‌های اجتماعی، کم‌نبودند افرادی که به خیال صید آیفون ۱۸ از دریا، خود را به شهرهای جنوبی رساندند و حتی همسایه‌های تنگه هرمز سوار بر قایق در میان موج دریا چشم گرداندند تا شاید نصیبی از این غنیمت داشته باشند. در این میان، برخی نیز به سبک و شیوه خود، دست به کلاهبرداری زدند و با ادعای فروش آیفون‌های دریایی، صفحات فروش آنلاین را با آگهی‌های عجیب از آیفون‌های زیر قیمت، آراسته کردند تا شاید قلابشان به جیب خریدار ساده‌دلی گیر کند. در کنار هشدارهای پلیس فتا و اتحادیه تلفن همراه در مورد کلاهبرداری با آیفون‌های دریایی، روایت برخی صیادهای محلی در گفت‌وگو با همشهری نیز نشان می‌دهد که هیچ‌کس به جز عطر، چوب روسی و کفش، کالای دیگری را به چشم ندیده است.

حاشیه‌های عجیب کشتی جنگ‌زده

کشتی تجاری و کانتینربر جی‌اف‌اس سنگاپور که در بندر جمیر عربستان پهلو گرفته بود، صبح چهارشنبه (۲۲مهر) بعد از تکمیل بارگیری، ۲هزار و ۵۰۰کانتینری که میان عرشه خود جای داده بود، از بندر الجبیل عربستان شروع به حرکت کرد. طبق برنامه باید حوالی بعدازظهر در بندر قاسم پاکستان پهلو می‌گرفت اما اجازه عبور نداشت و در مسیر متوقف شد. کانتینرهای کشتی سنگاپوری یکی یکی به دریا فرو می‌رفتند و صدها کارتن و جعبه از بارشان روی آب شناور می‌شد. خیلی زود، اخبار و تصاویری از آن در شبکه‌های اجتماعی پیچید. لابه‌لای آن اخبار و تصاویری که حال و هوای جنگ و موشک و مین و پهپاد داشتند بیشتر از همه، توجه مخاطبان و کاربران به ویدئوهایی جلب شد که کوتاه بودند و کم کیفیت اما بسیار عجیب و غریب؛ ویدئوهایی که توسط شماری از صیادان و ماهیگیران محلی ضبط و اشتراک‌گذاری می‌شد. یکی از آن صیادان، محمد است که می‌خواهد نام خانوادگی‌اش در گفت‌وگو با همشهری محفوظ بماند: «ظهر بود. همون روز اول (۲۲مهر). از صیادای اسکله شیب‌دراز (جنوب قشم) شنیدم یه کشتی باری بزرگ چند بغل (مایل) اون‌طرف‌تر از ساحل به مین خورده. با ۳، ۲تا از بچه‌ها سوار قایق شدیم و زدیم به دریا.» محمد از بار کانتینرها می‌گوید: «از دور ۵، ۴کانتینر وسط آب دیدیم. دورتر، پشت همه‌شون، کشتی داشت می‌سوخت. یه سری بسته‌های کوچیک و بزرگ هم کنار کانتینرا شناور بود. شکل بسته‌ها وسوسه‌مون می‌کرد؛ چون شبیه برای مصرفی بودن. دروغ چرا، از مین و موشک هم می‌ترسیدیم. یکی، دو ساعت اون حوالی موتور خاموش می‌چرخیدیم.» ترس او و همراهانش با آمدن صیادان دیگر، کم شد و به بسته‌های شناور نزدیک شدند.

آیفون دریایی به شرط فالو و لایک

هر ساعت که می‌گذشت ویدئوهای بیشتری از بارهای در آب مانده کشتی کانتینربر آتش گرفته منتشر می‌شد. عبدالله، راننده لیفتراک در اسکله باری جزیره هرمز است که بنا به شرایط جنگی، کم کار شده است. او در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: «ویدئوهایی که ساعتای اول پخش شد واقعی بودن. بیشترشون هم با کنجکاوی و حس غنیمت جنگی گرفتن، گرفته می‌شد. ولی بعد از اینکه شایع شد بار کانتینرا آیفون ۱۸ پرومکس و ادکلن مارک‌دار، ورق برگشت. دیگه فقط صیاد و ماهیگیر نبود که به‌خاطر کنجکاوی یا بیکاری به دریا می‌زد. از ساحل و شهرای دورتر میومدن برای صید آیفون! ما که آیفون ندیدیم.»

اجاره قایق برای صید آیفون

عبدالله که در اسکله باری جزیره هرمز شاغل است، همان شب نخست حادثه با برادرهایش قایق به آب انداخته بود: «شایعه آیفونای دریایی با چند تا فیلمی که هوش‌مصنوعی ساخته بود، داغ‌تر هم شد. شبی که ما رفتیم دریا جز ۴، ۳بسته اسپری اورجینال چیزی صیدمون نشد.» او گفت‌وگو را با اشاره به دیگر موارد متفاوت در حاشیه ماجرای بارهای لوکس کشتی سنگاپوری، ادامه می‌دهد: «همون شب وقتی برگشتیم اسکله، شنیدم یکی از همسایه‌ها قایقش رو ساعتی اجاره می‌ده به اونایی که می‌خوان برن آیفون گیری! بیشتر اونا هم بلاگر بودن؛ بلاگرای تازه‌کار و بلاگرای معروف. یکی‌شون از همون لب ساحل شروع کرد به محتواسازی؛ می‌گفت دارم می‌رم صید آیفون ۱۸، هر کی سفارش داره اول فالوم کنه، بعدم بیعانه بده.» عبدالله علت شایعه‌شدن بار آیفون میان بارهای کشتی سنگاپوری را بی‌ارتباط با مبدا و مقصد آن نمی‌داند: «معمولا از کشورای عربی، گوشیای آیفون در حد نو، بارگیری می‌شن. برای همین خیلی از صیادا حدس می‌زدن شاید بار این کشتی هم آیفون باشه. البته بعضی کلاهبردارا هم ماهیای خودشون رو از این آب گل‌آلود می‌گیرند.»